

انگلیسی هانیزبا
معدن اورانیوم
استان هلمند مثل
غنیمت جنگی
برخورد کردند.
امریکایی‌های این
امکان رادرازی
امتیاز انگلیس از
سهمش در تریاک
به آنها دادند (هلمند
پایتخت تولید تریاک در
جهان است)

امریکایی‌ها ادعا کرده‌اند چیزی از منابع معدنی افغانستان نذر دیده‌اند؛ آیا این منطقی است؟

امریکایی‌ها قبل از اشغال آن‌را می‌دزدیدند، چه برسد به وقتی که کل کشور تحت کنترل خودشان است. مشخصه امریکایی‌ها انعطاف‌پذیری و سرعت انطباق با تغییرات به خاطر وابستگی شدید به بخش خصوصی در همه چیز اعم از جنگ تا معدن است. لذا بیشتر سرقت‌های معدنی توسط شرکت‌های خصوصی و افراد انجام می‌شد. از زمان جهاد علیه شوروی، شبکه‌هایی از دزدان بین‌المللی وجود داشت که معدن الماس، سنگ‌های قیمتی و طلا را با کلاهبرداری از افراد ساده‌قلبه‌ای به مبلغ بسیار ناچیز غارت می‌کردند، همچنین بازرگانان یهودی در پیشاور آنها را با قیمت‌های بهتر، اما بسیار ارزان نسبت به قیمت واقعی می‌خریدند.

انگلیسی‌ها نیز با معدن اورانیوم استان هلمند مثل غنیمت جنگی برخورد کردند. امریکایی‌ها این امکان رادرازی امتیاز انگلیس از سهمش در تریاک به آنها دادند (هلمند پایتخت تولید تریاک در جهان است). مردم محلی می‌گویند که انگلیسی‌ها سنگ معدن اورانیوم را به شکل مکعب درآورده و سپس از پایگاه هوایی خود در هلمند (شوراب) به کشور خود منتقل کردند.

پیش‌بینی‌ها از جنگ داخلی در افغانستان هنوز در رأس تحلیل‌های آینده این کشور است، آیا طالبان قادر خواهند بود به منظور دولت‌سازی بر این درگیری‌ها غلبه کنند؟

ما اکنون در جامعه افغانستان چند میلیون فارغ‌التحصیل از آموزش‌های دوران اشغال داریم که یک طبقه نیمه خودمختار تشکیل داده‌اند و از نظر فرهنگی، اقتصادی و سیاسی با اشغال مرتبط‌اند. هیچ‌کس به این موضوع اشاره نکرده است که درگیری اصلی در افغانستان درگیری قومیت‌ها، قبائل و مذاهب نیست. اشغالگران می‌دانند که جنبش طالبان توانایی استثنایی در تماس با قبایل، حل مشکلات آنها و جلب حمایت آنها دارد. قبایل بزرگ‌ترین پشتیبان آنها در سرنگونی حکومت ربانی و دولت تشکیل‌شده توسط مدیر اطلاعات سعودی، ترکی الفیصل بودند (کما اینکه روزی خودش به این اعتراف کرد). نکته اصلی این است که خطرناک‌ترین درگیری در افغانستان بین اسلام و فرهنگ سنی عمیقاً ریشه دوانده در جامعه افغانستان (با همه قومیت‌ها و مذاهب آن) و طبقه جدید دارای فرهنگ غربی خواهد بود که به لحاظ معنوی به مسیحیت تیشیری نزدیک است. در میان آنها کسانی بودند که آشکارا به مسیحیت گرویدند و محافل غربی به طور علنی از آنها تجلیل کردند. شمار مشخصی از تعداد گروندگان به مسیحیت در دست نیست زیرا فعالیت مسیحیت مخفیانه بود.

جنبش روی آوردن به مسیحیت توسط زن لبنانی اشرف غنی، رولا غنی رهبری می‌شد. رولا تا قبل از ناپدید شدن مرمرش همزمان با ورود طالبان به کابل، شخص اول موساد در افغانستان بود.

نظر شما درباره تصویر مردم آویزان از چرخ‌های هواپیما هنگام خروج امریکا چیست؟

آنها همان طبقه جدید غریب‌زدگان افغان بودند که نه از ترس طالبان بلکه زندگی خود را بدون اشغال تصور نمی‌کردند؛ اشغالی که آنها را پرورش داد. با این حال، جدای از این پوسته‌های تازه در داخل شهرها چنین جامعه مدنی جعلی‌ای وجود ندارد و در افغانستان فقط یک جامعه قبیله‌ای وجود دارد. این طبقه جدید غرب‌زدگان ابزار بومی اصلی اشغال چه در اداره و چه در سرکوب نظامی و